



گفت‌وگوی «جام جم» با دکتر علی اصغر فهیمی فر
استاد پژوهش هنر

**فرهنگ خودی را بشناسیم
رسانه خود را خواهیم داشت**

آیین‌نامه جدید اکران
مشکلات پیش‌روی سینما

**عقبگرد یا عدالت‌گستری
در نمایش فیلم‌ها؟**



اولین برنامه زنده‌ای که همزمان در ۲ استودیو
به شکل موازی و درهم‌تنیده دنبال می‌شود

**خانه مردم
در رادیو ایران**



عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی:

اگر زبان فارسی نبود، ایران تکه‌تکه می‌شد



حسن انوری، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره زبان فارسی صحبت‌های مهمی کرده است. او این مصاحبه را به شرطی انجام داده که فقط از زبان فارسی بگوید و درباره خودش هیچ سؤالی مطرح نشود. انوری با اشاره به این‌که زبان فارسی در ایران، رابط بین اقوام مختلف ایرانی است، گفت: ملت ایران هویت خود را از زبان فارسی می‌گیرد و اگر زبان فارسی نبود، شاید ایران تکه‌تکه می‌شد؛ بنابراین زبان فارسی از این جهت مهم‌ترین عنصر فرهنگی ایران است. وی با اشاره به این‌که زبان فارسی، زبانی است که در آن شاهکارهای جهانی به وجود آمده است، افزود: شما چند زبان را می‌شناسید که در آن اثری مانند «شاهنامه» به وجود آمده باشد؟ اگر خیلی مته به خشخاش بگذارید فقط «ایلیاد» هومر را می‌توانید نام ببرید. البته در کنار شاهنامه آثار دیگری نیز داریم که آنها هم در حد خود بگانه هستند. آیا شما زبانی را می‌شناسید که اثری مانند دیوان حافظ یا کلیات مولانا یا کلیات سعدی در آن به‌وجود آمده باشد؟ اینها بعد از شاهنامه مهم‌ترین عناصر فرهنگی ما و یکی دیگر از امتیازات زبان فارسی هستند.

زبان فارسی هنوز خود را نشان نداده است

انوری در ادامه با اشاره به وجود توده عظیم و ناشناخته‌ای از واژه‌های فارسی گفت: تعداد کتاب‌هایی که به‌صورت خطی در کتابخانه‌های دنیا، نه ایران بلکه در ترکیه و هندوستان و حتی آمریکا وجود دارد، نسبت به کتاب‌های چاپ‌شده زیاد است. از فردی که در این حوزه کار می‌کرد درباره کتاب‌های چاپ‌شده و چاپ‌نشده پرسیدم که می‌گفت تعداد کتاب‌های چاپ‌شده یک در میلیون است؛ یعنی کتاب‌هایی که چاپ شده یک و تعداد کتاب‌هایی که چاپ نشده، بیست و یک میلیون است. ببینید چقدر آثار در کتابخانه‌های دنیا از زبان فارسی خوابیده است. در هرکدام از کتاب‌های خطی که چاپ می‌شوند، شاهد حداقل ۵ تا ۴ لغت جدید که تاکنون شناخته‌شده نبوده‌اند، هستیم. فکر کنید اگر همه کتاب‌های خطی چاپ شود، چه توده عظیمی از واژگان فارسی خواهیم داشت. این امر نکته‌ای است که کمتر به آن توجه و گفته

شده است. باید هرچه زودتر دولت ایران و دانشمندان ایرانی در تصحیح کتاب‌های خطی کوشش کنند تا زبان فارسی آنچنان که واقعا وجود دارد خودش را نشان دهد. زبان فارسی هنوز کاملا خود را نشان نداده است.

انوری با اشاره به نقش مدنی و تمدنی زبان فارسی افزود: زمانی که زبان فرانسوی و زبان انگلیسی هنوز بین‌المللی نشده بودند، زبان فارسی، زبان بین‌المللی بود. زبان فارسی از اقصی‌نقاط هندوستان تا جنوب شرقی اروپا، زبان طبقه فرهیخته و به قول فرنگی‌ها طبقه البیت جامعه بود. پادشاهان عثمانی نه فقط خوب فارسی می‌دانستند، بلکه به‌زبان فارسی شعر می‌سرودند. در جنوب شرقی اروپا و

زمانی که زبان فرانسوی و زبان انگلیسی هنوز بین‌المللی نشده بودند، زبان فارسی از اقصی‌نقاط هندوستان تا جنوب شرقی اروپا، زبان طبقه فرهیخته و به قول فرنگی‌ها طبقه البیت جامعه بود

عاملی باعث شده ایران هویت خود را نگه دارد؟ گفت: زبان فارسی عامل این بوده که ایران هویت خود را از دست ندهد. البته در کنار این عوامل دیگری هم هست؛ مثلاً یکی از عوامل این است که قوم ایرانی، قوم با استعداد و هوشمندی است.

انوری با اشاره به تلاش طالبان برای تضعیف موقعیت زبان فارسی در افغانستان گفت: سه هفته پیش آقای دهیاشی به من زنگ زد و گفت سه نفر از افغانستان آمده‌اند و می‌خواهند با شما صحبت کنند، گفتم باشد به فرهنگستان بیایند. آمدند و معلوم شد نگران زبان فارسی هستند. گفتم ابتدا نگران نباشید. طالبان هیچ‌کاری نمی‌تواند بکند، زبان فارسی قوی‌تر از آن است که امثال طالبان به زبان فارسی لطمه بزنند. تا شاهنامه هست، تا دیوان حافظ هست، تا دیوان و کلیات سعدی هست، تا کلیات مولانا هست، زبان فارسی پایدار خواهد بود و نباید نگران حرکات مذبح‌خانه باشید. خیلی از حرف‌های من خوشحال شدند و رفتند.

در هرگوشن برای بسیاری از آثار ادبی فارسی شرح نوشته شده است؛ مثلاً «شرح حافظ» که در آنجا نوشته شده، خیلی معروف است و حتی امروزه هم حافظ‌شناسان به آن مراجعه می‌کنند. تعداد فرهنگ‌های لغت فارسی که در هندوستان نوشته شده خیلی بیشتر از فرهنگ‌هایی است که در خود ایران نوشته شده است. این فرهنگ‌ها برای چه نوشته شده‌اند؟ برای این‌که لازم بوده و مردم به آن نیاز داشتند، زیرا آنها به فارسی می‌خواندند و نیاز داشتند که به کتاب لغت فارسی نگاه کنند.

فارسی، عامل حفظ هویت ایران

وی با طرح این پرسش که چه

نگاهی به رمان «بشکوچ» نوشته سلمان کریمی

داستانی درباره دفاع از عشق و وطن



دشمنان این مرز و بوم. «بشکوچ» نمادی از فرهنگ مردم ایران و حافظ ایران است. عشق «ایرانه» و «کیارش» بر سر پیکره‌ای بی‌جان خانواده اسماعیل شکل می‌گیرد. کنار هم بودن عشق و مرگ بر تمام داستان، تأکید نویسنده است. این نوع داستان پردازی خاص جوانان امروز است چرا که داستان جنگ بعد از ۳۰ سال باید قابل لمس باشد.

«بشکوچ» در ۳۴ روز اتفاق می‌افتد. روزهایی که مردم ایران با جان عزیزان‌شان در برابر رژیم عراق در خرمشهر مقاومت کردند. «گلوله باران دوباره دشمن شروع شد. صدای هرا انفجار مرهمی بود روی داغ همسنگرهای تازه از دست‌رفته‌مان. خمپاره‌های دشمن هم در اطراف مان به زمین می‌خورد. با هر انفجار به خود می‌گفتم: زنده می‌مانم و ایرانه را می‌بینم.»

«بشکوچ» سعی دارد رشادت و غیرت تکاوران نیروی دریایی و مردم رادر قالب داستان در زمان جنگ تحمیلی برای مخاطب امروز تعریف کند. پیش از این کم‌تر داستانی از نیروهای دریایی در دوران جنگ تحمیلی خوانده‌ایم.

این کتاب ادای دینی است به شجاعت‌های نیروی دریایی گردان پوشهر. علاوه بر کیارش نام‌های دیگری را مدام در میان رزمنده‌ها می‌خوانیم. رزمنده‌هایی که کمتر از شخصیت‌های اصلی داستان تلاش نکردند بلکه با به پای هم و هماهنگ با هم قدم برداشتند. در این میان ایرانه عشقی نافرجام می‌شود برای کیارش. ایرانه و کیارش نماد جوانان غیوری می‌شوند که تنهایی و نرسیدن زخم عمیق روزهای بعد از جنگ شده است. ایرانه و سلدا نشانه از زنانی هستند که برای دفاع از خاک کشور لحظه‌ای دریغ نکردند و خود را به میدان جنگ رساندند.

در این یادداشت نگاهی داریم به رمان «بشکوچ» اثری از سلمان کریمی که به تازگی در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسیده است.

«بشکوچ» داستان کیارش، تکاور نیروی دریایی است که برای مقابله با دشمن به خوزستان می‌رود. تجربه عشق و دلدادگی در تلاطم خون و جنگ با سه راوی: کیارش، سلدا و ایرانه.

«بشکوچ» لحظات ناب عشق و وطن‌پرستی و شجاعت را برای خواننده شدن، به یادگار می‌گذارد. انتخاب زبانی ساده و صمیمی برای بیان داستان، خواننده را جذب می‌کند و با توصیفات جذاب او را با روزهای جنگ درگیر می‌کند. روزهایی که اکنون برای بسیاری خارج از تصور است.

تسلط نویسنده به فضای جنگ و روحیات رزمنده‌ها به شخصیت‌پردازی در داستان کمک بسیاری کرده است. خرده روایت‌ها ما را به نر می به جریان داستان اصلی می‌کشاند و با تصویرهایی از ویرانه‌های خانه مردم در خوزستان و واقیفات جنگ از نگاه راوی روبه‌رو می‌شویم.

ابتدای داستان با اصرار مادر برای داماد کردن پسرش و آغاز زندگی مشترک با سلدا شروع می‌شود. همزمان با تماس کیارش و مادرش، ما در جریان شروع حملات عراقی‌ها به خاک ایران قرار می‌گیریم و فضای داستان وارد مرحله جدیدی می‌شود. هر رخدادی در روایت، نشانه‌هایی به دست مخاطب می‌دهد که در راستای تحلیل بهتر داستان است. اسم‌گذاری‌ها هم گویا انتخابی عمدی بوده است برای همخوانی بیشتر با فضای داستان. حال آن‌که همین اشخاص، به واقع، در سال‌های جنگ تحمیلی داستان‌هایی قهرمانانه در این سرزمین رقم زدند. داستانی که سرانجامش از دست دادن عزیزان‌شان بوده و آسایش آیندگان و سرکوب